

قزوینی - اقبال

بقیه از شماره قبل - نامه قزوینی باقبال

۱ - فرهنگ اسدی ، از بدست آوردن نسخه از این کتاب مهم فوق العاده خوشحال شدم . محض اینکه شاید از نظر سر کارفوت شده باشد عرض میکنم که شاید می دانید که مرحوم آتیه ETHÉ در فهرست نسخ فارسی دیوان هند INDIA OFFICE در تحت نمرة ۲۴۵۵ و صف يك نسخه دیگری را از این کتاب میکند که در کتابخانه دیوان هند در لندن موجود است و مرحوم یاول هورن در طبع خود ملتفت وجود این نسخه نشده بوده و آن را بکار نبرده است . آتیه در ضمن چهارده ستون از فهرست مذکور (که بقطع ورقی و با خط ریز است) تمام یا اغلب اختلافات قرآت و نسخه - بدلای نسخه چاپی را با نسخه خطی کتابخانه مذکوره بدست میدهد . حالا نسخه سر کار نسخه سوّمی میشود که از این کتاب تا کنون بدست آمده است و اگر دسترسی بنسخه از فهرست آتیه دارید البته لازم است که نسخه خود را با آن نسخه که او وصف میکند مقایسه و مقابله بفرمائید تا نسخه سر کار اکمل و اتم و اصح نسخ موجوده از این کتاب بشود . سپس آن نسخه را در کمال احتیاط باید در موضعی محفوظ نگاه داشت تا موقعی برای تجدید چاپ آن پیدا بشود . الحذر الحذر از اینکه این نسخه مانند نسخه « تسلیة الاخوان » از دست برود و تلف بشود . خوب است آنرا در بانکی در يك صندوق آهین امانت بگذارید اگر چنین دستگامی در طهران باشد . از « اردشیر ابن دیلم سار النجمی الشاعر » بنده عجاله اطلاعی بوجه من الوجوه ندارم ولی لابد بعدها اگر در ضمن تبعات اتفاقاً تصادف بچنین اسمی نمودم بسر کار اطلاع خواهم داد .

۲ - المعجم فی معاییر اشعار العجم ، از بدست آوردن دو نسخه دیگر از این

کتاب نفیس و تصحیح اغلاط و نواقص نسخه چاپی فوق العاده خوشحال شدم . البته این نسخه را یعنی نسخه مصححه خودتان را هم مثل نسخه اسدی مذکوره در کمال احتیاط و مراقبت از حرق و غرق و سرقت و ضیاع و تلف و انواع آفات محفوظ خواهید

داشت تا موقعی برای تجدید چاپ آن ان شاء الله پیدا شود. مرحوم میرزا فضلعلی آقا وکیل سابق آذربایجان در مجلس شورای ملی که یکی دوسه سال قبل در برلین مرحوم شد ببنده در آن اوقات که در برلین بودم مکرر میگفت که ایشان خود بشخصه يك نسخه خطی از این کتاب مالک هستند. احیاناً اگر دست رسی بورثه آن مرحوم دارید خوب است از حال این نسخه تحقیقی بفرمائید که کجاست و چه شده است. محض اطلاع عرض شد.

۳- تاریخ رویان از مولانا اولیاءالله املی، بنده اصلاً و ابداً از این کتاب و مؤلف آن اطلاعی ندارم و چون بخصوصه در موضوع تاریخ طبرستان تتبع خصوصی نمودهام از ندرت و عزت این کتاب و درجه اهمیت آن هیچ معلوماتی ندارم. ولی شکی ندارم که قول خود سرکار در اهمیت و ندرت بلکه نایابی نسخ آن حجت است. فشرک الله مساعیکم الجمیلة در احیاء این گونه آثار مهم تاریخی و ادبی ایران و جزا کم الله عن العلم والفضل و اهله احسن الجزاء.

۴- تاریخ طبرستان لابن اسفندیار، کثرت اغلاط و تصحیفات و تحریفات و نواقص جمیع نسخ این کتاب تا آنجا که بنده دیده‌ام چه در طهران و چه در اروپا بحدی است که با کثرت میلی که از قدیم الایام بنده بطبع این کتاب داشته‌ام و با اهمیتی فوق‌التصور که این کتاب داراست بنده را از هر گونه امیدی ولو ضعیف در تصحیح این کتاب بکلی و بکلی منسلخ ساخته است و مدت‌های مدید است که بکلی از این کتاب اعراض کرده‌ام و حتی جز در مورد کمال احتیاج و اضطرار رجوع هم بدان نمی‌نمایم از بسکه کثرت سقم نسخ این کتاب بمجرد مطالعه يك صفحه از آن بنده را عصبانی میکند. حالا این خیر اکتشاف سرکار از يك نسخه مصحح مضبوط کامل تامی از این کتاب مهم خودتان تصور بفرمائید تا چه اندازه باعث مسرت خاطر بنده میشود بخصوص که شخص فاضلی مثل سرکار با حرارت و وجد جوانی در تصحیح و تنقیح آن سعی جمیل فرموده و می‌فرمائید. خداوند اجر جزیل و عمر طویل بسرکار عالی عنایت کناد که در این مدت قصیر چندین نسخه که اکتشاف هر يك از آنها برای شرف يك عمر کافی است بدست آورده‌اید.

اما در خصوص طبع این کتاب تنها یامعاً با تاریخ رویان مذکور که استفسار فرموده بودید آیا مطبعه در اروپا اقدام بطبع آن خواهد کرد بانه بنده قبل‌الوقت چیزی در این خصوص بسر کار عرض نمیتوانم بکنم ولی یقین و قطع و جزم دارم که اگر این کتاب متنأ و حاشیه و تصحیح شده حاضر برای طبع بشود یعنی پاکنویس شده با خط نسخ خوانا قطعاً اداره اوقاف کیب حاضر برای طبع آن خواهد بود بخصوص که ترجمه ناقصی از آن را یعنی ترجمه پرفسور برون خود اداره مذکور بطبع رسانیده است. نظیر چهار مقاله که ابتدا سابقاً پرفسور برون ترجمه کما بیش درستی از آن بانگلیسی چاپ کرده بود سپس بعد از آمدن بنده بارویا من پیشنهاد کردم که من اصل متن فارسی آنرا (اگر آنها مخارج طبع آن را بدهند) که تصحیح و تحشیه نموده‌ام طبع خواهم نمود ایشان فوراً قبول کردند. من در این فقره ادنی شکی ندارم و ممکن هم بود که با اداره اوقاف کیب بنویسم و استفسار کنم ولی چون ایشان هیچوقت رأیی در خصوص خیالی که از قوه بفعل نیامده است نمیدهند بلکه پیشنهادهایی که بایشان میشود و اُمَنای اوقاف مذکور در اجتماعات هر چند ماه یکمرتبه خود در خصوص آن گفتگو می کنند و رای میگیرند همیشه راجع بنسخی است که متن آن پاکنویس شده و برای آنها فرستاده شده و آنها را در دست دارند و ملاحظه کرده در خصوص طبع یا عدم طبع آن رای میدهند. و چون بنده قبلاً بطور جواب از سؤال مُقدّر می دانستم که همین جواب را خواهند داد (چنانکه بخود بنده مکرر در خصوص خیالی که سابق داشتم در طبع نسخه از مثنوی از روی اقدم نسخ موجوده آن کتاب که یکی از آنها نسخه لندن مورخ است سنه ۶۹۷ یعنی فقط ۲۵ سال بعد از وفات مولوی، و همچنین طبع کلیات سعدی از روی اقدم نسخ موجوده یعنی نسخه پاریس که مورخ است سنه ۷۶۱ (ظاهراً) یعنی قریب هفتاد سال بعد از فوت سعدی و از آنها استفسار کردم عین همین جواب را دادند که تا نسخه پاکنویس و حاضر شده برای طبع در دست ما نباشد اعضای مارأیی در آن خصوص نمیتوانند بدهند) از ایشان استفسار نکردم ولی درجایح مأمول شکی و تردیدی ابدأ ندارم وانگهی اگر اداره کیب قبول نکرد مطبعه کلویانی یا مطبعه ایرانشهر (که

بتازگی تشکیل شده است و نظیر مطبعه کلویانی شرکتی قانونی موسوم بشرکت ایرانشهر در برلین تأسیس شده است (حتماً و قطعاً و جزماً قبول خواهند کرد بخصوص که هر دو مطبعه مذکوره از بنده تا اندازه حرف شنوی دارند و در خصوص طبع بعضی کتب غالباً از بنده مشورت میکنند و بنده باتمام قوی و تا آنچه از دستم بر آید بدیهی است که دقیقه کوتاهی نخواهم کرد برای طبع رسیدن این کتاب نفیس منفرداً یا منضمماً با تاریخ رویان که نورعلی نور خواهد شد و طبع این دو کتاب متمم و مکمل سلسله نواریخ طبرستان طبع دارن خواهد شد .

اماد رخصت قیمت طبع کتب در اروپا استفسار فرموده بودید بنده عین عبارت مطبعه کلویانی را که هفت هشت ماه قبل در جواب سؤال من در همین موضوع نوشته برای سرکار عیناً مینویسم :

« یکهزار نسخه هر یکی عبارت از ۲۵۶ صفحه یعنی ۱۶ جزوه باندازه کتاب تاریخ حمزه اصفهانی [که بقطع مجله ایرانشهرست] باضمام کاغذ و جلد و تجلید تقریباً مثل همان کتاب حمزه اصفهانی که در خدمت است خلاصه حاضر بفروش تحویل در برلین دوهزار و هفده فرانک فرانسه . و هر یک جزوه علاوه بر این مقدار اگر چاپ شود یکصد و بیست و سه فرانک . اگر یک کمی بزرگتر از این اندازه بخواهید بطوریکه سطرها نیم سانتیمتر بلندتر بوده و هر صفحه دو سطر زیاد تر داشته باشد آنوقت می‌ارزد [کذا] دوهزار و یکصد و پنجاه فرانک فرانسه . و هر یک جزوه زیادی یکصد و سی فرانک . این قیمت در صورتیست که مسوده باخط روشن و ثلث [کذا] ظاهر آبل یقیناً مقصودش نسخ است [چنانچه باخط متعارفی درهم و برهم نوشته شود آنوقت مقدار معینی بر قیمت افزوده خواهد شد که پیش از وقت نمیتوان آنرا معین کرد » .

اما در خصوص مقاله که در خصوص تاریخ ابن اسفندیار و تاریخ اولیاء الله در صد نهیه آن هستید و میفرمائید متحیرید کجا انتشار دهید بنده عرض میکنم که بدون تردید و تزلزل آنرا در مجله ایرانشهر که صفحات خود را برای درج این نوع مقالات در کمال منت و تشکر حاضر نموده است درج بفرمائید که هم فائده آن برای ایرانیان عام ترست و هم بدون اشکال و ممانعت بلکه چنانکه عرض کردم با کمال امتنان و تشکر

درج آنرا قبول خواهد کرد و هم چون برای اغلب مستشرقین اروپا که فارسی میدانند فرستاده میشود نتیجه زحمات حضرتعالی بمسامع فضیله مستشرقین اروپا نیز رسیده خواهد شد. اما از خیال درج آن در یکی از مجلات آسیائی اروپا بکلی صرف نظر بفرمائید چه بواسطه نتایج این جنگ که مخارج چاپ و کاغذ و حمله يك برشش الی هفت الی ده اضافه شده است و بودجه این نوع مجلات چون بغایت ضعیف است اغلب این نوع مجلات حجم خود را کوچکتر کرده اند و فواصل چاپ خود را بسیار بیشتر. مثلا ژورنال آزیاتیک فرانسه تا یکی دو هفته قبل هنوز نمره مورخه دسامبر ۱۹۲۲ آن در کتابخانه در اطاق قراعت بود و لابد هنوز بلکه تا یکی دو سه ماه دیگر هم همینطور است. اینک عرض میکنم تا یکی دو هفته قبل چون خودم آبرونه آن نیستم و هر وقت از چاپ درآمد در کتابخانه ملی میخوانم. قریب هشت ماه است که هر وقت باطاق قراعت میروم می بینم همان نمره آنجا در معرض انظار نهاده شده است. دوسه هفته قبل از پرفسور برون در خصوص درج مقاله در خصوص یکی از دعاة قرامطه معروف بعبدان (که نام او در کتاب الفهرست و در جهانگشا و غیرها مسطور است) که مدتهاست بازحمت زیاد تهیه کرده ام و زیاده از آن علمی و خشک است که برای مجله ایرانشهر مناسب باشد استفسار کردم که آیا روزنامه آسیائی لندن حاضر است در قبول طبع آن بانگلیسی یا فرانسه، پرفسور برون جواب منطولی نوشت و معلوم شد که حال آن مجله از مجله فرانسوی هم بدتر شده است چه آن مجله با يك مجله دیگر موسوم به «آثار عتیقه توراتی» متحد و شریک شده اند و حجم مجله را خیلی کوچکتر کرده اند و بهمین تناسب عدد چیز نویسان بیشتر و نسبت معکوس مقدار مقالات مندرجه بسیار کوچکتر و کوتاه تر شده است.

پرفسور برون نوشته بود که از او در خصوص تنقید چهار پنچ کتاب فارسی جدید الانطباع مقاله خواسته بودند ولی شرط کرده بودند که عدد کلمات مقاله او در خصوص مجموع آن کتب بیش از سیصد کلمه نباشد! پرفسور برون میگوید که بایشان نوشتم که باین مقدار کلمات حرف مفیدی نمیتوان زد. ایشان پس از مشورت با یکدیگر رخصت ناشدند کلمه فقط را دادند!

مسیوبلوشه کتابدار کتابخانه ملی که اورا اسماً می شناسید يك مقاله كوچكى درخصوص يك قطعه قالی که کسی در فرانسه دارد در روزنامه آسیائی لندن نوشته است . چند روز پیش دیدم که مسیوبلوشه مشغول تصحیح نمونه های آن مقاله است از او پرسیدم که این مقاله کذائى شما هنوز درج نشده است . گفت نه ، تازه نمونه های آنرا فرستاده اند که تصحیح کنم . گفتم شما که سه سال است که از این مقاله با من صحبت میدارید تاریخ آن کی است . دیدم مقاله را برداشته تاریخش را بمن نشان داد ، تاریخ آن سنه ۱۹۱۹ بود یعنی چهار سال پیش از این ! و لابد این تاریخ پس از دادن بچاپ حذف خواهد شد .

مقصود از تطویل در این موضوع اینست که سرکار يك تصوّر اجمالی از وضع مجلات شرقیه اروپا بدست آورید و بکلی از خیال درج چیزی در آن جراید منصرف شوید و وجود يك مجله خوش خط خوش چاپ خوش کاغذی مثل ایران شهر بامدیری مثل آقای کاظم زاده که فی الواقع خیلی قلب پاك خاص خالصی دارد و برای خدمت بمعارف ایران بهمه گونه مساعدت حاضرست مفتنم بشمارید و بدون تردید وفوت وقت و بدون ملاحظه از اینکه شاید او قبول بکند یا نکند تمام مقالات فاضلانه مدققانه خود را بآن مجله بفرستید و بنده هم همیشه محامد صفات و فضل و تتبع عمیق سرکار را بصاحب آن مجله گوشزد کرده ام و همیشه وظیفه وجدانی من است که بکنم تازه نام ، او حتماً چاپ خواهد کرد .

در خصوص آبونه شدن ژورنال آزیاتیک فرانسه برای سرکار ، بچشم ، خودم یکی از نیروزها بمطبعه آن مجله رفته درست تحقیق خواهم کرد که آیا این مجله منظمأ چاپ خواهد شد یا بهمان نمره دسامبر ختم شده و فاتحه آن را باید خواند در صورت مداومت برانتشار آن را باسم سرکار آبونه خواهم شد .

جلد اول 'معجم الادب' را لابد میدانید که نسخ آن تمام شده و موقوف اینست که بطور صدقه و اتفاق بدست بیاید اگر در فهرس کتابفروشها چنین چیزی دیدم البته فوراً آن را برای سرکار خواهم خرید .

از تطویل مفرط عریضه بسیار عذر می خواهم . مخلص حقیقی محمد قزوینی